**وفاداری عامل محبوبیت خدا و مردم**

****

**محمد تقی صرفی پور**

 

#

# مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند منان را و درود و صلوات بر محمد مصطفی و اهل بیت پاک و طاهرینش.

**وفاداری و ماندن بر پیمان و عهد** از ارزشهای مهم انسانی است که آثار مثبت مهمی برای بشریت دارد و برای همین آثار مثبت هست که اسلام به وفاداری فرمان داده و از عهدشکنی و بی وفایی نهی کرده است.

وفاداری جزو فطرت هر آدمی است و انقدر مهم است که خدا خود را وفادارترین می داند.و بزرگان دین گفته اند کسی که وفادار نیست و پیمان شکن است دین ندارد.

ملتی که وفادار باشند ملت موفقی در زمینه مادی و معنوی خواهند بود و مردمی که مانند کوفیان بی وفا باشند همیشه دچار هرج و مرج و بدبختی و عقب ماندگی خواهند بود.

در این کتاب درباره وفاداری از ابعاد مختلف مطالبی خدمت شما عرضه خواهیم کرد. انشالله که همه ما وفادار باشیم و در اخر یادی کنیم از بزرگ وفادار کربلا حضرت عباس قمر بنی هشم علیه السلام که وفاداریش تا ابد در دل عاشقانش زنده خواهد بود.

  **کرمانشاه-زمستان96**

**موضوعات این کتاب**

**1-وفاداری در ایات و روایات**

**2-داستانهایی درباره وفاداری**

**3-اثار وفاداری در جامعه**

**4-اثار پیمان شکنی**

**وفاداری در آیات و روایات**

**خداوند بزرگ در قرآن کریم، خود را باوفاترین می شمارد و می‌فرماید:**

**«وَ مَنْ أَوْفی بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ؛ چه کسی به پیمانش پای بندتر از خداست». (توبه: 111)**

**خداوند منان، کمترین احتمال پیمان شکنی را نسبت به خود قاطعانه مردود می شمارد:**

**«فَلَنْ یُخْلِفَ اللّهُ عَهْدَهُ؛ خداوند هرگز پیمان شکنی نمی‌کند».(بقره: 80)**

**آن گاه بندگان مۆمن خود را نیز به وفاداری و پایبندی به تعهدات شان فرا می‌خواند و از نقض عهد و بی وفایی بازمی دارد. خداوند در آیه ای با بیان نشانه های خردمندان حق جو بیش از هر چیز، وفای به عهد و پیمان را گوشزد می‌کند:**

**«الَّذینَ یُوفُونَ بعهدِ اللّهِ وَ لا یَنْقُضُونَ الْمیثاقَ؛ آن‌ها کسانی هستند که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند». (رعد: 20)**

**خداوند حکیم، در آیه دیگری، وفاداری به هر پیمانی را از مۆمنان می‌خواهد و می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها وفا کنید». (مائده: 1)**

**رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز وفای به عهد را از شرایط اساسی ایمان می‌داند و حضرت امیر علیه‌السلام نیز در فرمان خود به مالک اشتر، به اهمیت این مسئله در اسلام و جاهلیت اشاره می‌کند و آن را مهم‌ترین و عمومی‌ترین قانون اجتماع می شمارد:**

**اگر با دشمنی پیمانی بستی تا او را در پوشش پناه خویش بگیری، به پیمان خویش وفادار بمان و ذمه‌ات را با امانت کامل پاس دار و جان خود را سپر عهد و پیمان خویش قرار ده که در میان واجبات الهی، هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان، با تمام اختلافاتی که با هم دارند، مورد اتفاق عمومی نیست.**

**تا آنجا که مشرکان نیز پیش از مسلمانان در روابط خود بدان پایبند بودند؛ زیرا از پی آمدهای پیمان شکنی خاطرات تلخی داشتند.**

**احترام به پیمان و لزوم عمل به آن ریشه فطری دارد. هر انسانی لزوم عمل به پیمان را در نخستین مدرسه تربیت، یعنی فطرت و سرشت انسانی می‌آموزد و از آن الهام می‌گیرد. کودکان در آغاز زندگی، با سرشت پاک خود، عمل به پیمان را لازم می‌دانند.**

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :

أقرَبُكُم غَدا مِنّي في المَوقِفِ أصدَقُكُم لِلحَديثِ ، و أدَّاكُم لِلأمانَةِ ، و أوفاكُم بِالعَهدِ ، و أحسَنُكُم خُلقا ، و أقرَبُكُم مِن النّاسِ .

 نزديكترين شما به من در موقف فرداى قيامت، راست گوترين شما و امانتدارترينتان و پايبندترين شما به عهد و پيمان و خوش خوترين شما و نزديكترين شما به مردم است.

( بحار الأنوار : ۷۵/۹۴/۱۲)

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :

مَن كانَ يُؤمِنُ باللّه ِ و اليَومِ الآخِرِ فَلْيَفِ إذا وَعَدَ .

هر كه به خدا و روز قيامت ايمان دارد بايد هرگاه وعده مى دهد [بدان ]وفا كند.

( بحار الأنوار : ۷۷/۱۴۹/۷۷ )

امام على عليه السلام :

 أشرَفُ الخَلائقِ الوَفاءُ .

عاليترين خوى ها، وفادارى [به عهد و پيمان ها ]است.

( غرر الحكم : ۲۸۵۹ )

امام على عليه السلام :

 الوَفاءُ كَيلٌ .

وفادارى، پيمانه است.

( بحار الأنوار : ۷۵/۹۴/۹ )

امام على عليه السلام :

 الوَفاءُ حِصنُ السُّؤدَدِ .

وفادارى، دژ (نگه دارنده) سَروَرى است.

( غرر الحكم : ۱۰۴۴ )

امام على عليه السلام :

 الوَفاءُ حِفظُ الذِّمامِ .

وفادارى، نگهداشتن پيمان ها (حق و حرمت مردم) است.

( غرر الحكم : ۲۱۳۲ )

امام على عليه السلام :

 الوَفاءُ حِليَةُ العَقلِ و عُنوانُ النُّبلِ .

وفادارى، زيور خرد است و نشان شرافت.

( غرر الحكم : ۱۶۰۱ )

امام على عليه السلام :

 الوَفاءُ عُنوانُ وُفُورِ الدِّينِ ، و قُوَّةِ الأمانَةِ .

وفادارى، نشان ديندارى زياد و امانتدارى قوى است.

( غرر الحكم : ۱۴۳۰ )

امام على عليه السلام :

 الوَفاءُ تَوأمُ الأمانَةِ ، و زَينُ الاُخُوَّةِ .

وفادارى، همزاد امانتدارى است و زيور برادرى.

( غرر الحكم : ۱۸۶۵ )

امام على عليه السلام :

نِعمَ قَرينُ الأمانَةِ الوَفاءُ .

چه نيكو همدمى است وفادارى براى امانت.

( غرر الحكم : ۹۹۳۳ )

امام على عليه السلام :

نِعمَ قَرينُ الصِّدقِ الوَفاءُ .

چه خوب همدمى است وفادارى براى صداقت.

( غرر الحكم : ۹۹۳۱ )

امام على عليه السلام :

الوَفاءُ تَوأمُ الصِّدقِ .

وفادارى، همزاد صداقت است.

(غرر الحكم : ۲۷۱ )

امام على عليه السلام :

أيُّها النّاسُ ، إنّ الوَفاءَ تَوأمُ الصِّدقِ ، و لا أعلَمُ جُنَّةً أوقى مِنهُ ، و ما يَغدِرُ مَن عَلِمَ كَيفَ المَرجِعُ ، و لَقد أصبَحنا في زَمانٍ قَدِ اتَّخَذَ أكثَرُ أهلِهِ الغَدرَ كَيْسا ، و نَسَبَهُم أهلُ الجَهلِ فيهِ إلى حُسنِ الحِيلَةِ .

اى مردم! وفادارى با صداقت همزاد است و من حفاظى نگهدارنده تر از آن نمى شناسم و كسى كه بداند بازگشتگاه چگونه است پيمان شكنى نمى كند! و اكنون ما در روزگارى به سر مى بريم كه بيشتر مردم آن عهد شكنى را زيركى مى شمارند و نادانان اين كار آنان را به زيركى نسبت مى دهند.

( نهج البلاغة : الخطبة ۴۱ )

 اامام على عليه السلام :

 لكَرَمُ فَضلٌ ، الوَفاءُ نُبلٌ .

كَرَم داشتن فضيلت است و وفادارى شرافت.

( غرر الحكم: ۱۳ )

امام على عليه السلام :

أفضَلُ الأمانَةِ الوَفاءُ بِالعَهدِ .

 برترين امانتدارى، پايبندى به عهد است.

( غرر الحكم: ۳۰۱۸ )

امام على عليه السلام :

أفضلُ الصِّدقِ الوَفاءُ بِالعُهودِ .

بالاترين صداقت، وفاى به پيمان هاست.

( غرر الحكم: ۳۰۲۰ )

امام على عليه السلام :

 أحسَنُ الصِّدقِ الوَفاءُ بِالعَهدِ .

بهترين صداقت، وفاى به عهد است.

( غرر الحكم: ۳۳۲۷ )

امام على عليه السلام :

 أصلُ الدِّينِ أداءُ الأمانَةِ و الوَفاءُ بِالعُهُودِ .

 ريشه دين، امانتدارى و پايبندى به پيمان هاست.

( غرر الحكم: ۱۷۶۲ )

امام على عليه السلام :

 بِحُسنِ الوَفاءِ يُعرَفُ الأبرارُ .

 با خوش وفايى است كه نيكان شناخته مى شوند.

( غرر الحكم: ۴۳۳۱ )

امام على عليه السلام :

مَن أحسَنَ الوَفاءَ استَحَقَّ الاصطِفاءَ .

هر كه خوش وعده باشد، شايسته گزينش [براى دوستى] است.

(  غرر الحكم: ۸۶۹۰)

امام على عليه السلام :

لا تَعتَمِدْ على مَوَدَّةِ مَن لا يُوفي بعَهدِهِ .

 به دوستى كسى كه به عهد خود وفادار نيست، اعتماد مكن.

( غرر الحكم : ۱۰۲۶۰ )

امام على عليه السلام :

 إنجازُ الوَعدِ مِن دَلائلِ المَجدِ .

انجام دادن وعده، از نشانه هاى بزرگوارى است.

( غرر الحكم: ۲۱۹۳ )

امام على عليه السلام :

 مَن وَفى بعَهدِهِ أعرَبَ عَن كَرَمِهِ .

كسى كه به پيمان خود وفا كند، بزرگوارى خود را نشان داده است.

( غرر الحكم: ۸۲۸۱ )

امام على عليه السلام :

 أوفُوا بعَهدِ مَن عاهَدتُم .

به پيمانى كه با كسى مى بنديد، وفادار باشيد.

( بحار الأنوار : ۷۵/۹۴/۱۱ )

امام على عليه السلام :

مِن أفضَلِ الإسلامِ الوَفاءُ بِالذِّمامِ .

از برترين [احكام] اسلام وفادارى به تعهّدهاست.

( غرر الحكم : ۹۴۳۲ )

امام على عليه السلام :

مِن دَلائلِ الإيمانِ الوَفاءُ بِالعَهدِ .

 يكى از نشانه هاى ايمان، وفاى به عهد است.

( غرر الحكم : ۹۴۱۴ )

امام على عليه السلام ـ پيوسته در دعا ـ مى گفت:

 اللّهُمّ اغفِرْ لِي ما وَأيتُ مِن نَفسي ، و لَم تَجِدْ لَهُ وَفاءً عِندي .

بار خدايا! بيامرز درباره آنچه از جانب خود وعده كردم و تو درباره آن وعده از من وفايى نديدى.

( نهج البلاغة : الخطبة ۷۸ )

امام زين العابدين عليه السلام ـ در پاسخ به اين سؤال كه : چكيده شرايع دين چيست؟ ـ فرمود :

 قَولُ الحَقِّ ، و الحُكمُ بِالعَدلِ، و الوَفاءُ بِالعَهدِ .

حق گويى، داورى عادلانه، و وفاى به عهد.

( الخصال : ۱۱۳/۹۰ )

امام صادق عليه السلام :

ثَلاثَةٌ لا عُذرَ لأحَدٍ فيها : أداءُ الأمانَةِ إلَى البَرِّ و الفاجِرِ ، و الوَفاءُ بِالعَهدِ لِلبَرِّ و الفاجِرِ ، و بِرُّ الوالِدَينِ بَرَّينِ كانا أو فاجِرَينِ .

 سه چيز است كه هيچ كس در آنها معذور نيست: برگرداندن امانت به نيك و بد، وفاى به عهد با نيك و بد ، و خوشرفتارى با پدر و مادر، خوب باشند يا بد.

(  الخصال : ۱۲۳/۱۱۸ )

بى وفاترين مردم

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :

 أقلُّ النّاسِ وَفاءً المُلوكُ

بى وفاترين مردم، شاهان هستند.

( بحار الأنوار : ۷۷/۱۱۲/۲ )

امام على عليه السلام :

الخائنُ لا وَفاءَ لَهُ .

خيانتكار را وفادارى نيست.

( غرر الحكم : ۸۸۸ )

امام على عليه السلام :

لا وَفاءَ لِمَلُولٍ .

 انسان به تنگ آمده را وفادارى نيست.

( مائة كلمة للجاحظ : ۴۱/۲۵ )

امام صادق عليه السلام :

خَمسٌ هُنَّ كما أقولُ : لَيسَت لِبَخيلٍ راحَةٌ ، و لا لِحَسودٍ لَذَّةٌ ، و لا لِمُلوكٍ وَفاءٌ ، و لا لِكَذّابٍ مُرُوَّةٌ ، و لا يَسُودُ سَفيهٌ .

پنج چيز چنانند كه من مى گويم: نه بخيل را آسايش است و نه حسود را خوشى و نه شاهان را وفادارى و نه دروغگو را انسانيت و نه نابخرد را سرورى.

( بحار الأنوار : ۷۸/۱۹۴/۱۰ )

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :

 لن يَهلِكَ الناسُ ، حتّى يَغدِروا مِن أنفسِهِم .

مردم هرگز هلاك نشوند ، مگر آن گاه كه با خود پيمان شكنى كنند.

( كنز العمّال : ۷۶۸۷ )

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله ـ در سفارش به على عليه السلام ـ فرمود :

و إيّاكَ و الغَدرَ بِعَهدِ اللّه ِ و الإخفارَ لِذِمَّتِهِ ؛

فإنّ اللّه َ جَعَلَ عَهدَهُ و ذِمَّتَهُ أمانا أمضاهُ بينَ العِبادِ بِرَحمَتِهِ

و الصَّبرُ على ضِيقٍ تَرجُو انفِراجَهُ  ، خَيرٌ مِن غَدرٍ تَخافُ تَبِعَةَ نقمَتِهِ و سُوءَ عاقِبَتِهِ .

 زنهار كه به پيمان خدا خيانت كنى و امان و زنهار او را بشكنى ؛

زيرا خداوند عهد و زنهار خود را امانى قرار داده كه از روى رحمت و مهر خود آن را در ميان بندگانش به اجرا نهاده است

و شكيبايى در برابر دشوارى و تنگنايى كه اميد به برطرف شدن آن دارى ، بهتر از پيمان شكنى است كه از پيامد شوم و بد فرجام آن مى ترسى .

( دعائم الإسلام : ۱/۳۶۸ )

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :

قالَ اللّهُ تعالى :

ثلاثةٌ أنا خَصمُهُم يَومَ القِيامَةِ :

رَجُلٌ أعطى بي  ، ثُمّ غَدَرَ

و رَجُلٌ باعَ حُرّا ،  فَأكَلَ ثَمَنَهُ

و رجُلٌ استَأجَرَ أجِيرا فَاستَوفى مِنهُ العَمَلَ  و لم يُوَفِّهِ أجرَهُ .

خداوند متعال فرمود :

سه كسند كه روز قيامت من خصم آنها هستم :

مردى كه با من پيمان بندد و سپس خيانت كند

ومردى كه انسان آزادى را [ برده كند و او را ] بفروشد و بهايش را بخورد

و مردى كه مزدورى را اجير كند و از او كاملاً كار بكشد و مزدش را به طور كامل نپردازد.

( الترغيب و الترهيب : ۴/۱۰/۱۹ )

امام على عليه السلام :

الغَدرُ،  أقبَحُ الخِيانَتَينِ .

 پيمان شكنى، زشت ترين خيانت است.

(غرر الحكم : ۱۶۹۰ )

امام على عليه السلام :

الغَدرُ ،  شِيمَةُ اللِّئامِ .

پيمان شكنى ، خصلت فرومايگان است.

(غرر الحكم : ۲۹۱ )

امام على عليه السلام :

الغَدرُ ، يُضاعِفُ السَّيِّئاتِ .

 پيمان شكنى ، گناهان را دو چندان مى كند.

(غرر الحكم : ۶۴۳ )

امام على عليه السلام :

الغَدرُ ،  يُعَظِّمُ الوِزرَ و يُزرِي بالقَدرِ .

 پيمان شكنى ، گناه را بزرگ مى كند و قدر و منزلت را لكّه دار مى سازد.

(غرر الحكم : ۲۱۹۱ )

امام على عليه السلام :

جانِبُوا الغَدرَ ؛

فإنّهُ مُجانِبُ القرآنِ .

از بى وفايى دورى كنيد ؛

زيرا كه آن از قرآن به دور است.

(غرر الحكم : ۴۷۴۱ )

امام على عليه السلام :

إيّاكَ و الغَدرَ ؛

فإنّهُ أقبَحُ الخِيانَةِ و إنَّ الغَدُورَ لَمُهانٌ عندَ اللّه ِ .

 زنهار از پيمان شكنى ؛ كه آن زشت ترين خيانت است و پيمان شكن نزد خداوند بى مقدار است.

(غرر الحكم : ۲۶۶۴ )

امام على عليه السلام :

أسرَعُ الأشياءِ عُقوبَةً رجُلٌ عاهَدتَهُ على أمرٍ

و كانَ مِن نِيَّتِكَ الوفاءُ لَهُ و مِن نِيَّتِهِ الغَدرُ بكَ .

زودترين كيفر را مردى مى بيند ، كه با او بر سر چيزى پيمانى ببندى

و تو قصد پايبندى به آن را داشته باشى و او نيّت پيمان شكنى در سر بپروراند.

(غرر الحكم : ۳۱۷۴ )

امام على عليه السلام ـ در فرمان استاندارى مصر به مالك اشتر ـ نوشت :

فلا تَغدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ  و لا تَخِيسَنَّ (تَحبِسَنَّ) بِعَهدِكَ  و لا تَختِلَنَّ عَدُوَّكَ ··· ؛

فإنَّ صبرَكَ على ضِيقِ أمرٍ تَرجُو انفِراجَهُ و فَضلَ عاقِبَتِهِ ،

خَيرٌ مِن غَدرٍ تَخافُ تَبِعَتَهُ .

به امان و زنهار خويش خيانت مكن و پيمانت را مشكن و دشمنت را مفريب···؛

زيرا شكيبايى تو در برابر دشوارى كارى كه به گشايش و نيك فرجاميش اميد دارى ،

بهتر از آن است كه دست به پيمان شكنى و خيانتى بزنى كه از پيامد ناگوار آن مى ترسى .

( نهج البلاغة : الكتاب ۵۳ )

امام صادق عليه السلام ـ وقتى از ايشان پرسيدند : دو سرزمين است كه هر دو از كفّار حربى هستند و هر يك براى خود فرمانروايى دارد .اين دو سرزمين با هم مى جنگند و سپس پيمان صلح مى بندند . اما يكى از دو فرمانروا به همتاى خود خيانت مى كند و نزد مسلمانان مى آيد و با آنان پيمان مى بندد كه در كنارشان با آن سرزمين ديگر بجنگند ـ فرمود :

لا يَنبَغي للمسلمينَ أن يَغدِرُوا  و لا يَأمُرُوا بالغَدرِ و لا يُقاتِلُوا معَ الذينَ غَدَرُوا ،

و لكنَّهُم يقاتِلُونَ المُشرِكينَ ، حيثُ وَجَدُوهُم

و لا يَجوزُ علَيهِم ، ما عاهَدَ عليهِ الكُفّارُ .

 مسلمانان نبايد پيمان شكنى كنند يا به پيمان شكنى تشويق نمايند  يا در كنار پيمان شكنان بجنگند ،

اما مشركان را هر جا كه ديدند ،  بايد با آنها بجنگند

و پيمانى كه كفّار با هم بسته اند ، بر ايشان نافذ نيست.

( الكافي : ۲/۳۳۷/۴ )

[زشت ترين پيمان شكنى](http://ahlolbait.com/article/5290/%D9%BE%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%B4%DA%A9%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AB#b) :

امام على عليه السلام :

الغَدرُ بِكُلِّ أحَدٍ  ، قَبيحٌ

و هو بِذَوِي القُدرَةِ و السُّلطانِ ، أقبَحُ .

پيمان شكنى از هر كسى كه سر بزند ، زشت است ،

اما از شخص قدرتمند و مقتدر ، زشت تر است.

(غرر الحكم : ۱۸۶۴ )

امام على عليه السلام :

أقبَحُ الغَدرِ ، إذاعَةُ السِّرِّ .

زشت ترين خيانت ، فاش كردن راز [ كسى ] است.

( غرر الحكم : ۳۰۰۵ )

[نكوهش وفادارى به پيمان شكنان](http://ahlolbait.com/article/5290/%D9%BE%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%B4%DA%A9%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AB#c) :

امام على عليه السلام :

 الوَفاءُ لِأهلِ الغَدرِ، غَدرٌ عندَ اللّه ِ،

و الغَدرُ بِأهلِ الغَدرِ ، وَفاءٌ عندَ اللّه ِ .

 وفادارى با پيمان شكنان ، نزد خدا پيمان شكنى به شمار است

و پيمان شكنى با پيمان شكنان  ، وفادارى است در نزد خدا.

( نهج البلاغة : الحكمة ۲۵۹ )

[پيمان شكنى و زيركى](http://ahlolbait.com/article/5290/%D9%BE%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%B4%DA%A9%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AB#d) :

امام على عليه السلام ـ در خطبه اى كه طى آن از پيمان شكنى نهى مى كند ـ فرمود :

أيُّها الناسُ ! إنَّ الوَفاءَ تَوأمُ الصِّدقِ  و لا أعلَمُ جُنَّةً أوقى مِنهُ

و ما يَغدِرُ ، مَن عَلِمَ كيفَ المَرجِعُ

و لقد أصبَحنا في زمانٍ قد اتَّخَذَ أكثَرُ أهلِهِ الغَدرَ كَيْسا

و نَسَبَهُم أهلُ الجَهلِ فيهِ إلى حُسنِ الحِيلَةِ

ما لَهُم ؟ قاتَلَهُم اللّه ُ !

قد يَرَى الحُوَّلُ القُلَّبُ وَجهَ الحِيلَةِ

و دُونَها مانِعٌ مِن أمرِ اللّه ِ و نَهيِهِ .

فَيَدَعُها رَأيَ عَينٍ ، بعدَ القُدرَةِ علَيها

و يَنتَهِزُ فُرصَتَها ، مَن لا حَرِيجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ .

اى مردم! وفادارى ، همزاد راستى و صداقت است و من سپرى محافظتر از آن نمى شناسم .

كسى كه بداند در آخرت چه سرنوشتى در انتظار پيمان شكنان است ، پيمان شكنى نمى كند .

اكنون ما در زمانه اى به سر مى بريم كه بيشتر مردم آن پيمان شكنى را زيركى مى دانند

و مردمان بى خبر و نادان هم اين پيمان شكنان را به خوش فكرى و زرنگى نسبت  مى دهند .

آنان را چه مى شود؟ خدايشان بكشد !

شخص با بصيرت و آشنا به زير و بم كارها ، براى هر كار حيله و راه چاره اى مى داند ،

امّا اوامر و نواهى خدا ، مانع از به كارگيرى آن حيله و راه چاره مى شود .

او با آن كه اين حيله ها و نيرنگها را مى داند و توانايى به كار بستن آنها را نيز دارد، به كارشان نمى بندد،

ولى كسى كه در دين از هيچ گناهى پروا ندارد، در هر فرصتى كه پيدا كند ، دست به حيله مى زند.

( نهج البلاغة : الخطبة ۴۱ )

امام على عليه السلام :

و اللّه ِ! ما معاويةُ بِأدهى مِنّي و لكنَّهُ يَغدِرُ و يَفجُرُ

و لو لا كَراهِيَةُ الغَدرِ، لكُنتُ مِن أدهَى الناسِ

و لكنْ كُلُّ غُدَرَةٍ ، فُجَرَةٌ و كلُّ فُجَرَةٍ ، كُفَرَةٌ

و لكلِّ غادِرٍ  ، لِواءٌ يُعرَفُ بهِ يومَ القِيامَةِ  .

و اللّه ِ ! ما أُستَغفَلُ بِالمَكِيدَةِ  و لا أُستَغمَزُ بِالشَّديدَةِ .

 به خدا سوگند ! كه معاويه از من زيركتر نيست ، اما او دست به پيمان شكنى و معصيت مى آلايد

و اگر نبود كه خيانت و عهد شكنى  ،  زشت و نارواست ، بي گمان من زيركترين مردمان بودم .

اما هر خيانتى ، گناه است و هر گناهى ، نوعى كفر

و در روز رستاخيز  ، هر پيمان شكنى را پرچمى است كه با آن شناخته مى شود .

به خدا سوگند  ! من غافلگير نيرنگ [ معاويه و امثال او ] نمى شوم و در برابر سختى ها ناتوان نمى گردم .

( نهج البلاغة : الخطبة ۲۰۰ )

[چگونگى محشور شدن پيمان شكن](http://ahlolbait.com/article/5290/%D9%BE%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%B4%DA%A9%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AB#we) :

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :

إنَّ لِكُلِّ غادِرٍ ، لِواءً يُعرَفُ بهِ يومَ القِيامَةِ .

در روز رستاخيز، هر پيمان شكنى پرچمى دارد كه با آن شناخته مى شود.

( كنز العمّال : ۷۶۸۱ )

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :

إذا جَمَعَ اللّه ، الأوَّلِينَ و الآخِرِينَ  ، يومَ القِيامَةِ

 يُرفَعُ لِكُلِّ غادِرٍ لِواءٌ

فقيلَ : هذِهِ غَدرَةُ فلانِ ابنِ فلانٍ ! .

در روز قيامت ، آن گاه كه خداوند همه خلايق را گرد آورد،

براى هر عهد شكنى پرچمى برافراشته مى گردد

و گفته مى شود : اين پيمان شكن ، فلان  پسر بهمان است !.

( كنز العمّال : ۷۶۸۲ )

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :

ألا إنَّه يُنصَبُ لِكُلِّ غادِرٍ لِواءٌ يومَ القِيامَةِ  بِقَدْرِ غَدرَتِهِ .

بدانيد كه روز قيامت  براى هر پيمان شكنى   پرچمى به اندازه خيانتى كه كرده است  برافراشته مى شود.

( كنز العمّال : ۷۶۸۳ )

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :

لِكُلِّ غادِرٍ لِواءٌ يومَ القِيامَةِ يُرفَعُ لَهُ بقَدرِ غَدرِهِ

ألا و لا غادِرَ أعظَمُ غَدرا ، مِن أميرِ عامّةٍ .

روز قيامت، براى هر پيمان شكنى پرچمى است به اندازه خيانتى كه كرده است .

بدانيد كه خيانت هيچ پيمان شكنى  ، بزرگتر از پيمان شكنى فرمانرواى يك ملت نيست.

( كنز العمّال : ۷۶۸۴ )

میزان الحکمه،جلد هشتم.

**داستانهایی درباره وفاداری**

پادشاهی در یک شب سرد زمستان از قصر خارج شد.هنگام بازگشت سرباز پیری را دید که با لباسی اندک در سرما نگهبانی می داد.از او پرسید:((آیا سردت نیست؟)) نگهبان پیر گفت:((چرا ای پادشاه ولی لباس گرم ندارم و مجبورم تحمل کنم.پادشاه گفت:((من الآن داخل قصر می روم و می گویم یکی از لباس های گرم مرا برایت بیاورند.))

نگهبان ذوق زده شد و از پادشاه تشکر کرد.اما پادشاه به محض ورود به قصر وعده اش را فراموش کرد.صبح روز بعد جسد سرمازده ی پیرمرد را درحوالی قصر پیدا کردند؛درحالیکه در کنارش با خطی ناخوانا نوشته شده بود:((ای پادشاه من هرشب با این لباس کم سرما را تحمل می کردم اما وعده ی لباس گرم تو مرا از پای درآورد.......))

**وفاداری حضرت عباس قهرمان کربلا**

عباس(ع) در چهار صحنه از رخدادهای کربلا فتوت، جوانمردی و استواری خود در ایمان و جهاد در راه خدا را نشان داد که عبارتند از:

۱. هنگامی که در عصر روز نهم محرم سپاه عمر بن سعد برای آغاز جنگ به خیام سالار شهیدان هجوم آوردند، پیش از هر سخنی شمر گفت: پسران خواهر ما کجایند؟ جعفر، عباس، عبدالله و عثمان خطاب به شمر گفتند چه می‌خواهی؟ گفت: شما پسران خواهر من و در امان هستید. فرزندان حضرت امیر(ع) به یکصدا گفتند: خداوند تو را و امان نامه تو را لعنت کند. آیا تو ما را امان می‌دهی در حالی که پسر پیامبر در امان نیست!

۲. در شب عاشورا هنگامی که امام حسین(ع) ضمن ستایش از یاران خود و اعلام برداشت بیعت خود، به آنان پیشنهاد کرد که بروند و او را با آن تاریک دلان تنها گذارند، نخستین کسی که برخاست و گفت: حسین جان یک جان در راه تو اندک است و ما اگر هفتاد جان می‌داشتیم در راه تو فدا می‌کردیم، عباس(ع) بود .

۳. در روز عاشورا پیش از آن که خود وارد معرکه نبرد شود سه برادر خود را خواست و به آنان گفت که بیم دارم پس از شهادت من از فیض همراهی امام محروم گردید. از این جهت برای این که مطمئن شوم که از این فیض محروم نمی‌شوید، پیش از من به میدان بروید.

۴. آن هنگام که از امام حسین(ع) اجازه رفتن به میدان را گرفت و بنا به توصیه امام برای آوردن آب به سوی شریعه حرکت کرد و مشک‌ها را پر از آب کرد، مشت دست خود را پر از آب کرد تا از آن بنوشد. در این هنگام تشنگی امام را به یاد آورد و آب را ریخت.

**وفاداری حضرت عباس بابیانی دیگر**

وفاداری حضرت عباس(ع) او را برای همیشه در «تاریخ جوانمردان» ممتاز کرده است.

 نقل شده است که: وقتی حضرت ابوالفضل(ع) ، سردار رشید دشت کربلا برای بار دوم به شریعه فرات وارد می شود تا برای تشنگان آب ببرد، در میان نهر آب که قرار گرفت«این واقعه عموماً به این شکل نقل شده است » هنگام برداشتن آب، تشنگی زیاد باعث شد که حضرت میل به خوردن آب کند. به همین علت،‌آب را با دست به دهان نزدیک کرد که بیاشامد؛ ولی یکباره به خاطر آورد که بچه های امام حسین(ع) تشنه اند وبا خود گفت: این، خلاف جوانمردی است که آنان تشنه باشند و من سیراب ، و آب را از دستان خود به زمین ریخت. اسب ایشان نیز از خوردن آب تا قبل از این اقدام حضرت، خودداری نمود. (5)

 ولی آیا این تعریف در مورد جوانمردی و وفاداری آن حضرت صحیح است؟ آیا ممکن است عباس که سقایی را از کودکی تمرین کرده، ‌اکنون دچارغفلت شده و دلیل مأموریتش را؛ حتی برای چند لحظه فراموش کند؟

 باید دقت کنیم ، به یقین، انگیزه آب نخوردن ابوالفضل(ع) خیلی لطیف تر از آن است که تاکنون شنیده ایم.

 تاریخ می گوید که: حضرت عباس (ع) وقتی وارد شریعه فرات شد، اسبش هم با همه تشنگی که داشت، ابتدا از خوردن آب خودداری می کرد. اسب، با هوش است و این حیوان خوب می فهمید که راکبش آب نمی خورد و فضا، فضای جنگ است؛ کشتار و شهادت را می دید و بر سیاق ذات هوشی اش حوادث راپیش بینی می کرد و می فهمید.

بنابراین رغبتی به خوردن آب از خود نشان نمی داد و در واقع، نوعی تعهد و احترام به راکب را از خود بروز می داد!

اسب می فهمید که نباید غفلت کند، حضرت باب الحوائج (ع) از سر وفاداری اش ، نه تنها غافلانه و از سر سهو ، بلکه از سر جوانمردی وقتی دید حیوانش ، حرمت گرفته و تشنگی را تحمل کرده، دست به زیر آب برد و آب را دست نزدیک دهان خود نمود تا حیوان فریب این حرکت را بخورد و درآسودگی آب بیاشامد.

 و این، نکته سنجی حضرت ابوالفضل (ع) است که در تمامی زوایای حوادث، غفلت نکرده و در حساس ترین لحظات جای خالی و ناتمام باقی نگذاشته است. تنها در این صورت است که راز وفاداری حضرت عباس (ع) به عنوان بارزترین خصلت او آشکار شده و وجود مقدسش را برای همیشه عالم الگو قرار می دهد.

ادم وفادار تا اخر وفادار می ماند.و وسوسه ها او را از وفاداری باز نمی دارد.

مردی که به همسرش وفادار است اگر زنش بیماری سختی مانند سرطان یا ام اس بگیرد او را رها نمی کند.

زنی که وفادار است همچنین در بحران ها ،شوهرش را رها نمی کند و تا اخر با شوهرش و کنار او می ماند.

فرزندی که وفادار است هیچگاه تا اخر عمر پدرومادر خود را رها نمی کند و هرگز انهارا تنها نمی گذارد.

سربازی که وفادار است همانند حضرت عباس(ع)تا اخر با فرمانده اش می ماند و حتی اگرپیشنهادهای فریبنده از دشمن به او بشود هرگز دست از فرمانده اش بر نمی دارد.

ورزشکاری که وفادار است برای پول بیشتر کشورش را رها نمی کند و در خدمت اجنبی قرار نمی گیرد.

پزشک وفادار همچنین.

بنده ای که وفادار است خدای مهربانش را هرگز رها نمی کند و با او قطع رابطه نمی نماید.

ابلیس وفادار نبود و خدا را بعد از اون همه عبادت که می گویند هزاران سال خدارا عبادت می کرد،ولی خدا را رها کرد و دشمن او شد.

و پیروان ابلیس هم همه لشگر بیوفایان هستند!

وفاداری به امام در ردیف وفاداری به خداوند است.

بدا به حال کسانی که به امام خود بی وفایی کردند همانند طلحه و زبیر ها!

در زمان ماهم کروبی و موسوی به امام خود بی وفایی کردند و باعث مشکلات زیادی برای اسلام شدند خداوند انهارا نیامرزد!

تبصره:وفاداری در کارهای خوب درست است ولی وفاداری در کارهای بد،درست نیست!مثلا به دوستان بد وفادارماندن معنی ندارد!به باندهای خلاف وفادار ماندن درست نیست.و...